

خلاف آمد عادت

(ملا متیّه و بازتاب اندیشه‌های ملا متی در غزلیات عطار، عراقی و حافظ)

مؤلف:

دکتر علی نجفی

عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / دورنگار: ۶۶۴۸۰۸۸۲

خلاف آمدِ عادت

(ملامتیه و بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات عطار، عراقی و حافظ)

مؤلف: دکتر علی نجفی

ناشر: انتشارات آوای نور

ناشر همکار: انتشارات آثار فکر

صفحه‌آرا: منیرالسادات حسینی

چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۳۹۹-۷

قیمت ۳۳۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

.....	مقدمه	۵
.....	چند توضیح ضروری و عرض سپاس	۱۰
.....	پیشگفتار	۱۳
.....	فصل اول	
.....	بخش اول: ملامتینه	
.....	پیشینه اندیشه ملامتی	Error! Bookmark not defined.
.....	نظر هجویری درباره ملامتیه	Error! Bookmark not defined.
.....	باب الملامه	Error! Bookmark not defined.
.....	نظر محیی الدین عربی درباره فرقه ملامتیه	Error! Bookmark not defined.
.....	نظر عزالدین محمود کاشانی درباره ملامتیه	Error! Bookmark not defined.
.....	علل ظهور مکتب ملامتی و زمان و مکان آن	Error! Bookmark not defined.
.....	ارتباط ملامتیان با اهل فتوت	Error! Bookmark not defined.
.....	کلبیون	Error! Bookmark not defined.
.....	ارتباط اهل فتوت با ملامتیه	Error! Bookmark not defined.
.....	خلاصه‌ای از اصول و وصایای مشایخ ملامتیه	Error! Bookmark not defined.
.....	ارزیابی و نقد و تحلیل اندیشه‌های اهل ملامت	Error! Bookmark not defined.
.....	تحلیل اصول مهم ملامتیه	Error! Bookmark not defined.
.....	اهل صحو و اهل سکر	Error! Bookmark not defined.
.....	وجه تمایز صوفی و ملامتی	Error! Bookmark not defined.
.....	بخش دوم: قلندریه	
.....	ریشه‌یابی و نقد و تحلیل فرقه قلندریه	Error! Bookmark not defined.
.....	واژه «قلندر» و سابقه آن در ادب فارسی	Error! Bookmark not defined.
.....	قلندر و قلندریه	Error! Bookmark not defined.
.....	نظر مقریزی درباره قلندریه	Error! Bookmark not defined.
.....	نظر سهروردی درباره قلندریه	Error! Bookmark not defined.
.....	نظر نورالدین عبدالرحمان جامی درباره قلندریه	Error! Bookmark not defined.
.....	آداب قلندران	Error! Bookmark not defined.
.....	قلندران و اهل فتوت	Error! Bookmark not defined.
.....	ملامت کشی جوانمردان	Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.	ملامتیه و قلندریه
Error! Bookmark not defined.	آیین قلندریان
Error! Bookmark not defined.	میراث قلندریه
Error! Bookmark not defined.	فصل دوم
Error! Bookmark not defined.	بخش اول: بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات عطار
Error! Bookmark not defined.	چشم‌انداز عصر عطار
Error! Bookmark not defined.	جاذبه‌های صوفیگری عصر عطار
Error! Bookmark not defined.	تصوف عطار
Error! Bookmark not defined.	غزلیات عطار
Error! Bookmark not defined.	قلندریات عطار
Error! Bookmark not defined.	خردمندان دیوانه رفتار عطار چه کسانی هستند؟
Error! Bookmark not defined.	عرفان عاشقانه در قلندریات عطار
Error! Bookmark not defined.	عشق از نگاه عطار
Error! Bookmark not defined.	بخش دوم: بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات عراقی
Error! Bookmark not defined.	عراقی و گرایش او به فرقه قلندریه
Error! Bookmark not defined.	شعر عراقی
Error! Bookmark not defined.	غزل عراقی
Error! Bookmark not defined.	اندیشه عراقی
Error! Bookmark not defined.	عشق از نگاه عراقی
Error! Bookmark not defined.	جمال ساقی در شعر عراقی
Error! Bookmark not defined.	مکتبها و طریقه‌های عرفانی زمان عراقی
Error! Bookmark not defined.	نکات عرفانی و اجتماعی غزلیات عراقی
Error! Bookmark not defined.	بخش سوم: بازتاب اندیشه‌های ملامتی در غزلیات حافظ
Error! Bookmark not defined.	بحث در معانی و مفاهیم رند و رندی
Error! Bookmark not defined.	فهم رندی حافظ
Error! Bookmark not defined.	اندیشه‌های ملامتی حافظ
Error! Bookmark not defined.	ابیات رندانه حافظ
Error! Bookmark not defined.	توضیح برخی واژه‌ها

مقدمه

در خلاف آمد عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم
حافظ

اگر از خامی و بی‌غمی، یا از قضای روزگار، گذارت به کوی رندان و عاشقان افتاد نا
شکیبایی و کژتابی مکن، تا دل مبتلای بلا نشده سر به زیر و شتابان بگذر.

«بر حذر باش که سر می‌شکند دیوارش»

اهل کام و ناز را در کوی رندی، راه نیست رهروی باید جهانسوزی، نه خامی، بی‌غمی
حافظ / غزل ۴۷۰

ولی اگر، بیزار از رنگ و ریا، رمیده از تزویر، مذهب عاشقی پیشه کرده‌ای و شیوه‌ی
رندی، درنگ مکن، بیم و تردید ملامت به خود راه مده، دگر از سرزنش مدعی بی‌خبر و
زاهد خود بین مترس و اگر، شوق همنشینی رندان قلندر وش میخواره مست، ترا
سرخوشانه به کوی ترسایان و مغان بت پرست، کشانیده است چه جای اندیشه؟ دل بر
کف نه پیش بیا اقرار بندگی کن و اظهار چاکری، چرا که:

«در کوی عشق، شوکت شاهی نمی‌خرند»

«اینجا دل‌دین را خریدارند، نه دل‌گلیں را» منسوب به بایزید بسطامی که گفت:

«آن دل‌دین به، نه دل‌گلیں»^۱

اینجا سرزمینی است که ایمان فلک رفته به باد. چه سرکشان و کج کلاهانی که
مغرورانه، سر به آسمان می‌ساییدند اما که، سلسه موی دوست آنها را از فراز تخت نخوت
به زیر کشیده در میکده عشق به سبو کشی وا داشته است.

بس، سرگردنکشان کاندر جهان پست شد چون خاک، زیر پای عشق

ولی عشق، چنان که افتد و دانی از مقتضیات ایام حیات است و بیشتر با شور و شوق و
تردماغی عهد شباب، مأنوس است اما از تاب کمند زلفش هیچ کس غافل و ایمن نتوان

۱- از کوچۀ رندان، دکتر زرین کوب، ص ۱۴۶.

بود. ای بسا، تاری از آن گیسوی عنبر فشان، زاهد خلوت نشین، صوفی عزلت گزین، عابد مردم گریز و شیخ کهنسال را، شوریده و شیدا، از گوشه محراب، کنج خانقاه، زاویه رباط و رواق مقرنس مدرسه، سراندازن و دست افشان و پای کوبان، به کوی و بازار کشانیده، سرگشته و دلخسته و زار به خرابات نشانیده است.

بررسی کامل خصوصیات ملامتیه و قلندریه بیرون از حوصله و هدف این اثر است. در اینجا با وظیفه‌ای بس دشوار در فرصتی کوتاه اجمالاً به شرح پیدایش و تکامل شاخصه‌های مهم این دو فرقه خواهیم پرداخت، بی آن که مدعی جامعیتی در پژوهش خود باشیم. کانون توجه در این نوشتار بررسی اندیشه‌های ملامتی در سه قطب فکری سترگ یعنی «عطار، عراقی و حافظ» است که هر کدام برای خود پدیده‌ای ممتازند. زمینی که این درختان تنومند از آن روییده و سر به فلک ساییده‌اند خاک ایران است و این یکی از بزرگترین افتخارات فرهنگ و تمدن ایرانی است که توانسته است چنین بزرگانی را از خاک خود بر آورد و آن را برای دل و جان ملت ایرانی پرورش دهد و منظور از ملت ایرانی، اشاره به کلّ دنیای فارسی زبان بوده و هست. با توجه به جایگاه عظیم آنان در تاریخ عرفان اسلامی، اهمیت و عمق دستاوردهای فکری آنها را نباید و نمی‌توان به عرفان محدود کرد. آنها هر یک در عصر خود و نوع خود یکی پس از دیگری استثناهایی بوده‌اند. در بیشتر مباحث معتبر رایج در زمان خود تبّحر یافته‌اند. از همگان و همگان گوی سبقت ربوده‌اند. از فقه، کلام، فلسفه، عرفان، اجتماع و هر چه را از رسوم علمی موجود در ساحت تفکر اسلامی به بهترین وجهی نصیب برده و آموخته‌اند و در آنها تفوّق یافته‌اند و به نادرترین تفکرات در نوع خود دست پیدا کرده‌اند. به روش و موضع فکری خاصی، با اسلوب عمیق و کاملاً سرشار از شور و طراوت در عالم تفکر اسلامی نائل آمده‌اند و به جای پرداختن به تحلیل‌های عقلانی صرف، به پاره‌ای از امور و عقاید ایمان داشته‌اند و توکل کرده‌اند.

و این همان جهش فراتر از اقران است:

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است راهرو گرسد هنر دارد توکل بایدش

حافظ / غزل ۲۷۶

هر یک در عصر خود روشنفکران نادری بودند که پایه سخن مستقل و اصیلی فراتر از بحث‌های فرقه‌ای و اعتقادی خاص داشته‌اند. آنها در فاصله‌ای امن به طمأنینه خلوتی

دست یافتند که موجب شد تمامی شیوه‌های متعارف و غیر خلاق عقل و معرفت صوری و مصلحت آمیز، در جنب ظهور و اسلوب و موضع فکری مهم‌تر خودشان رنگ ببازند. اسلوب خاصی که به طرز فوق‌العاده چشمگیری در ساحت فکر و منطق آنها ترسیم شده است. خلوص سخت بی‌شائبه و ذهن برتر آنها چه بسا معاصران ایشان را به خشم می‌آورد. کشش عرفانی ایشان از زهد عملی و وجد بی‌محابای صوفیان بسی فراتر بود. با خود آگاهی فوق‌العاده تعجب آمیز به ذهن‌های نازل و حقیر می‌تازند. اینان وقتی به عالی‌ترین سطوح قابلیت‌ها و امکانات زبانی می‌رسند خطرناک می‌شوند و نزدیک به نقطه‌ای قدم می‌گذارند که تقریباً اقتدار دینی متشرعان را نفی می‌کنند و سیطره حکومت قلندری خویش را جایگزین قدرت زاهدان دروغین می‌نمایند.

خصیصه حقیقی ایشان شور و هیجان بارزی است با انگیزه‌ای بی‌امان برای متقاعد کردن دیگران و نفرتی عظیم از چیزهای مبتذل و دروغین و رسوم متعارف و تفسیری از بدایع و کشف‌های غیر متعارف. بدنبال وحدت و توازن و طرح و نقشی تغییر ناپذیر برای یک نظام جدید هستند.

چند بعدی بودن سرشت فطری اینان به آن درجه‌ای است که بدون باز نمودن کل زوایای اندیشه‌هایشان ظلمی عظیم بدانان روا داشته‌ایم. خطاست که آنان را صرفاً بی‌هیچ چون و چرا یک عارف، عاشق، فیلسوف، ملامتی، معرفی کرد. بهره‌مند در دنیای ما بعدالطبیعه با نبوغی استثنایی هستند که مجموعه‌ای از غزلیاتشان از لحاظ وضوح و دقت در انتخاب واژگان و تفصیلات بی‌نظیر است. برخی از اندیشه‌ها و تلقی و قرائتشان را از هستی به صراحت یا ضمنی به باد اتهام گرفته و کفر آمیز خوانده‌اند. گستره اندیشه‌هایی را که صوفیان پرورده بودند به زبان کامل شعر در آوردند.

نظم و نسق دادن به دیدگاه شعر عارفانه نسبت به حقیقت چنان موفقیت آمیز از آب در می‌آید که شعرای معاصر و بعد به آنها به عنوان یک منبع موثق استناد می‌کنند و مکرراً از سروده‌های ایشان نقل می‌کنند آن گونه که مولوی اعتراف می‌کند:

عطار روح بود و سنایی دو چشم او ما از پی سنایی و عطار آمدیم

اینان با زبان صریح و روشن و روان خود، تدریجاً با تعالیم اخلاقی عاشقانه بر ضد اندیشه‌های خشک از مشرب جنبش مبتنی بر قلندری و جوانمردی و شیوه‌های ملامتی بهره می‌گیرند. و در تحولات فکری خود بسی فراتر می‌روند و احترام عمیق بزرگان و

مشایخ را بر خود تحریض می‌کنند. و در اقصی نقاط زبان ایرانی مریدانی بر آستان آنها گرد می‌آیند. آنچه در هر مصرع و هر بیت غزلیاتشان موج می‌زند عشق است آن هم عشق لایزال و جاودانه که از منبع بی‌پایان انسان دوستی و کمال جویی آنها برخاسته و بر همه‌ی مخلوقات جمیل آفریدگار بزرگ تعلق گرفته است و عراقی به شیوایی تمام می‌گوید:

هر دلی کو به عشق مایل نیست حجره دیو خوان، که آن دل نیست

دریایی از دُر مکنون معانی را در ابیاتی دلنشین به نمایش گذاشته‌اند و در گستره سخن بلیغ و فصیح و فاضلانه به مرتبه و مقام والایی نائل گشته‌اند. در مظاهر صوری، جمال الهی را مشاهده می‌کنند و عشق می‌ورزند و عاشقی پیشه می‌کنند و چون در نزد آنها عشق مایه حقیقت است و جمال دوستی نشانه عشق به کمال است که جمال خود پرتوی از کمالی است که سالک برای وصول به آن می‌جوشد و می‌کوشد.

مسلم است با مجاهده و ریاضت، عشق‌های مجازی را از باطن محو کرده‌اند و محبت ذات باری را پدیدار گردانیده و در عرفان هر کدام سرحلقه سوختگان معرفت و رندان تشنه لب در طریقت شده‌اند.

به دلیل پر شوری سخنانشان، اشعار عاشقانه و عارفانه و قلندرانه آنها انگشت نمای ملامتیان روزگار بوده است.

هر یک قلندری تمام عیار هستند چون به صراحت کلامشان در قید و بند نام و مقام نیستند. کلامشان دل‌انگیز و دل‌نشین و اثربخش است چون از دل دردمند برخاسته، دلی که در ماوراء موج می‌زند و از روحی که پر خروش است. در همان رایحه سرمست کننده عرفان شاعرانه تنفس می‌کنند که بزرگان و مشایخ قبل تنفس کرده بودند و به درون همان موج معنویت وجد آمیز هدایت شده‌اند.

در نگرش بر این بازتاب از تالکؤ شعری، این شعرای خبیر و بصیر، معانی و مضامینی بر زبان آورده‌اند که هر کدام معانی مستقیم و گاه غیر مستقیمی را با خود به همراه می‌آورند. و کلماتی از قبیل: دلق - ردا - سبچه - مسجد - زَنار - کلیسا - شیخ - زاهد - واعظ - خرابات - رند - قَلّاش - میکده - پیر مغان و سایر عباراتی از این دست که بار مسایل عرضی و غرضی خارج از قلمرو معمول و مرسوم عرفان و شوریده حالی و پاک نهادی را بر دوش می‌کشند که در حقیقت، کاری به اصل و مبنای حرمتی بعضی از عبارات و کلمات در اندرون اعتقادات خود و دیگران ندارند. کوشش اینها بر این است که بهره‌گیری‌های نیرنگ بازانه دغل کاران را در این راه و روش بر ملا سازند و در اندیشه روشن بصورت یک قهرمان

خستگی ناپذیر در میدان مبارزه به رفتار و سکنت جماعتی حمله می‌کنند که از این ابزار و عوامل سودجویی‌هایی شیطنت آمیز دارند: **ریا - فریب - دروغ - عهد شکنی - منفعت طلبی - ریاست جویی و تحکّم‌های صوفی مآبانه** و تمامی مفاسدی که به شکل‌های مختلف بر چهره روزگار نشسته است. ژرف اندیشانی که رنج می‌برند، غصّه می‌خورند و می‌نالند و می‌مویند و بر دردکشان روزگار اشک می‌ریزند و از توهینی که به اندیشه‌شان روا می‌دارند در نمی‌گذرند و از اینکه در لباس تقوی و طاعت، در لباس زهد و خدا پرستی، این همه تلبیس و تزویر بر سر خلق خدا فرود می‌آید، صدای بلند و رسا در فضای بی‌انتهای این کرانه ناپیدای جهان هستی طنین افکن می‌شود، فریاد می‌زنند. در چنین حرکت فکری پر از غلیان روحی، آشفته حال و صداقت جو، نظر نظر و نفس نفس به دنبال یافتن مشربی هستند که به چرخش بیندازند و با طهارت و معنویت به معرکه باورها بروند و کلماتی بسازند و با این زمینه فکری و شعری پا به میدان مبارزه بگذارند و فریاد عشق و محبت صادقانه خود را که نتیجه اخلاص و صفای باطن است به گوش این و آن برسانند و با بکارگیری کلماتی صدها پیام پر ایهام و سازنده را به گوش اهل سخن و معنی برسانند. و این هدف وقتی عملی می‌شود که بندها و علقه‌های زنجیری، قیود و رسوم و عادات و قواعد محصور کننده خراب شوند و از خانقاه و مسجد و منبر و تسبیح فاصله بگیرند. و با رهایی از ابزار قیود انگیز چهره‌ها را به سوی بی‌خبری مستانه برگردانند و آب آتشگون طلب کنند و با رهایی از تعلّقات سخیف نمایشی با اخلاص و صفا و مبارزه با نفس و اجتناب از رعونت، حبّ جاه و مقام به آزادگی و وارستگی بشری برسند. ولی کسوت و رفتار نامتنجانس و نامعمول از نظر صوفیان و زاهدان ظاهر الصّلاح، آنها را در جرگه ملامتی‌ها قرار می‌دهد و ظاهر شماتت خیز آنها، زاهدان را با تردید در کیفیت حالشان بر می‌انگیزد. ولی برای گریز از آزارکده شیخانه، رندی رندان و قلندران به اوج بلاغت می‌رسد که از نظر کلام و معنی برای همگان شگفتی آور است غزلیات قلندران و رندانه رسوا کننده تبهکارانی می‌شوند که گرفتار عجب و تکبر در ظلمت زمان شده‌اند. در این رشته از غزلیات زنده و پویا از خدعه‌گری‌ها - نقش بازیها - ظاهر سازی‌ها و ردّایل اخلاقی سخن رانده می‌شود. شاعر گرفتار ملامت‌ها و آزارهای رایج قلب‌کاران و دغل‌بازان و تاریک‌دلان و سیه چهرگان واقع می‌شود و تیر تهمت و افترا و تکفیری را که در آستین دارند و به سوی آنها می‌سازند، سینه بی‌سپر و پر از شور و غوغا را هدف تیر ملامت قرار می‌دهند. غزلیات حافظ و عطار و عراقی عصاره معارف زمان است. مجموعه‌ای است از

صنایع ادبی، حکمت‌ها و نکته‌ها، کاخ بلندی است در فرهنگ ایران زمین، غزلیاتشان سرود روح ایران است آینه‌ای از مجموعه افکار و معتقدات در هم شوریده آنها، چشمانی حیرت بار به اوضاع زمان و نظری شاد و پر امید به آینده. درس شادی زندگی و انسان دوستی. یافتن و باز گفتن تمامی نکته‌هایی که بر اثر موانع گفتن نتوانسته آشکارا بگویند با ترفند و اشاره، و زبان رمز به مرور انجام پذیرفته و هر بار به اقتضای زمان گوشه‌ای از آنها روشن شده است. بعضی موارد ملاحظات اجتماعی به شاعر اجازه نداده است که حرف خود را روشن بگوید. در غزلیات این سه شاعر بعضی اصطلاحات عرفانی وجود دارد، که به حدی با معانی ساده کلمات آمیخته‌اند که جدا کردنشان آسان نیست. بی‌شک رمزگرایی و تعبیر و تأویل برای پرده پوشی در برابر عوام از لوازم کاری اینان است اما رمز این تعبیر و تأویل‌ها کجاست معلوم نیست.

چند توضیح ضروری

- ۱- در این اثر رأی و نظر برخی از بزرگان و مشایخ بزرگ تصوف و صاحب نظران مورد ارزیابی و نقادی قرار گرفته است، ولی این الزاماً به منزله اسائه ادب و بی‌حرمتی نسبت به شأن علمی و اجتماعی آنان نیست. با این همه بر خود لازم می‌دانم که مراتب احترام و تکریم خویش را در کمال تواضع به ساحت علمی آن بزرگواران ابراز دارم و اعلام کنم که حرمت مفاخر فرهنگی بر همه دوستداران فرهنگ و ادب ایران فرض است.
- ۲- در بررسی‌های خود در این پژوهش شعر هر شاعری به صورت «نام شاعر/ شماره غزل، یا صفحه دیوان» آمده است در مورد حافظ نسخه علامه قزوینی و دکتر غنی اساس کار بوده است. در بررسی‌های مربوط به عطار، از چاپ دکتر تقی تفضلی استفاده کرده‌ام و در مورد فخرالدین عراقی چاپ سعید نفیسی را مبنای کار قرارداده‌ام، و در موارد معدودی که چاپ دیگر مورد نظر بوده نام مصحح ذکر شده است.
- ۳- مآخذ و مراجع مورد استناد، عموماً در متن قید شده است و گاهی هم بنا به ضرورت عنوان کامل مآخذ مورد استناد در پاورقی همان صفحه ذکر گردیده است.
- ۴- تعبیرها و مطالب داخل گیومه برگرفته از شعرا و نقل قول مستقیم است، اغلب با حفظ رعایت سبک و سیاق نگارش اصلی آن. مگر در مواردی که تلخیص یا نقل به معنا و مضمون باشد.

۵- این پژوهش فرآیند رنج و مرارت کسانی است که در طول عمر خود، تعلیم گرفته و از شجرهٔ دانش و دریای فضل آنها برخوردار شده‌ام، البته به قدر توان و قابلیت و بضاعت مزجاء خویش که جا دارد یاد و خاطره آنها را گرامی بدارم:

الف) بایسته و شایسته است که از مادر عزیز خویش یاد کنم که هستی من، زهستی اوست و مرا در دامن مهر خود پرورد.

ب) از مربی اول - پدرم - و همه آموزگاران و دبیران و استادان خودم در خانه و مدرسه و دانشگاه که مرا نکته‌های دقیق آموختند همه ایشان را تکریم می‌کنم و در برابرشان سر تعظیم فرود می‌آورم و به روان رفتگان از جمع ایشان صمیمانه رحمت می‌فرستم و برای زندگان، عزت، شادمانی، تندرستی آرزو دارم.

ج) این تحقیق در اصل پایان نامه دکتری اینجانب در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بود که در سال ۱۳۸۵ به سرانجام رسید. البته در طی چند سال اخیر، متن پایان نامه را چند بار با صبر و حوصله بازبینی و اصلاح کردم و اکنون به توفیق الهی برای چاپ و نشر عرضه کردم. امید است مورد پسند و استفاده علاقه‌مندان واقع شود. توفیق بزرگی که در این مسیر نصیب من شد استادان ارجمندی است که هر کدام به نحوی مرا مدد داده‌اند و راه را بر من هموار نموده‌اند:

باید از استادان عزیز دوره دکترا یاد و تشکر کنم که بنده را با گشاده‌رویی پذیرفتند و از نخستین گام تا وصول به منزل مقصود با من همراهی و سازگاری کردند که این همراهی و همدلی بیش از حد انتظار بود در برابر آشفته کاری اولیه و اصلاح نوشته‌ها هیچ ملال خاطر ابراز و اظهار نداشتند، با محبت و انبساط خاطر و متانت مراقب پیشرفت کار بودند. با فراهم ساختن مآخذ و منابع مورد نیاز در حد امکان دقیقه‌ای از کمک فروگذار نبودند. بی‌تردید تشویق و تحریض ایشان بود که کار به ثمر نشست. همواره از مشورتها و راه‌گشایی‌های بی‌دریغ آنها برخوردار بودم و مهربانی‌هایشان را به یاد خواهم داشت.

۶- واضح است که تحقیق و پژوهش کاری توان فرسا است. مخصوصاً هنگامی که در مسیر به چاه و چاله مجهولات می‌افتی و برای برون شد از آن تقلاً میکنی، یا وقتی که دچار گره‌خوردگی فکری می‌شوی و احساس ناتوانی، عجز استخوانها را می‌فشارد ناخواسته کنش‌های غیر ارادی اطرافیان را می‌آزارد که نگارنده این سطور هم از این قاعده کلی مستثنی نبوده است. لذا از همه اطرافیان سببی و نسبی و دوستان گرامی

خود در این مدت نسبتاً طولانی تحصیل و تحقیق که بدخلقی‌ها و بی‌توجهی‌های ناخواسته و غیر ارادی مرا مشفقانه تحمل کرده‌اند و دم بر نیاورده‌اند، پوزش می‌خواهم و با کمال امتنان و از محضر ایشان طلب عفو و بخشش می‌نمایم.

۷- هدف از این پژوهش، ادای دین به فرهنگ و ادب غنی و سرشار این مملکت است که عطار، عراقی، حافظ، از استوانه‌های آن هستند و بنده شاید توانسته‌ام گوشه‌ای از زوایای روحی این ستارگان درخشان را شناسانده باشم. باز نمی‌دانم که به این توفیق نائل آمده‌ام یا نه؟ اگر پاسخ این پرسش موجب «روسپیدی» باشد، این پاداش مرا بس است.

۸- در فراهم آمدن این مجموعه ده‌ها کتاب و منابع ارزشمند را دیده و مطالعه کردم که فهرست آن را آورده‌ام تا بتواند هنگام مراجعه، راه گشای علاقه‌مندان باشد ولی بر این باورم که در نوردیدن دشت پرشکوه و سرسبز ادبیات، سواری بردبار و باره‌یی راهوار و زمانی بسیار نیازمند است تا به گفته مولوی:

خمی از کوجه این سامان و مسطوری از این گلزار بیکران را چون عطار رندانه بنگرد.

۹- در این اثر برخی مطالب تکراری دیده می‌شود، اما این تکرار نه به جهت سهو و نه به لحاظ عمد، بلکه به دلیل نیاز بوده زیرا هر بیت و مطلب ممکن است از چند جهت افاده معنی کند که منجر به الزام تکرار در مباحث مختلف گردد.

۱۰- نگارنده این مطالب نه ادعای تعمق و توغل در فرق اسلامی را دارد و نه خود اهل ذوق و وجد است و نه بر این باور است که حرف جدیدی در این راستا دارد، اما برای اندیشه‌شناسی و نگرش در نظام فکری ملامتیه چند برگگی از کتاب‌های اسلاف را ورق زده است و این اثر برای بازیافت نظام فکری ملامتیه و نگریستن از دریچه فکری آنان به غزلیات عطار، فخرالدین عراقی و حافظ فراهم آمده است. بی‌گمان این اثر هم بدون کاستی و لغزش نیست باشد که دوستان ادب پرور و پژوهشگران صاحب نظر از یادآوری کاستی‌ها از سر مهر بی‌بهره‌ام نگذارند. و با غمض عین بنده را در این موضوع یاری فرمایند.

۱۱- بر خود فرض میدانم از تلاش و زحمات مدیر محترم انتشارات آوای نور تهران و همکاران ایشان کمال تشکر را داشته باشم. توفیق و سلامتی ایشان را در راه ترویج و گسترش علوم و دانش‌های بشری از خدای متعال خواهانم.

"به نام خدا که نام او بهترین است"

پیشگفتار

هین سخن تازه بگوتادوجهان تازه شود وارهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود
 خاک سیه بر سر او کر دم تو تازه نشد یا همگی رنگ شود یا همه آوازه شود
 هر که شدت حلقه در، زود برد حلقه زر خاصه که در باز کنی، محرم دروازه شود
 آب چه دانست که او گوهر گوینده شود؟ خاک چه دانست که او غمزه ی غمزه شود؟
 روی کسی سرخ نشد، بی مدد لعل لبیت بی تو اگر سرخ بود از اثر غازه شود
 ناقه صالح چو ز که زاد یقین گشت مرا کوه پی مزده ی تو آشتیر جمّازه شود
 راز نهان دار و خمّش، ور خموشی تلخ بود آن چه جگر سوزه بود باز جگر سازه شود

مولانا

«از ابو سعید ابی الخیر پرسیدند که از خلق به حق چند راه است؟ به روایتی گفت: هزار راه بیش است و به روایتی دیگر گفت: به عدد هر ذره‌ای از موجودات راهی است به حق.»^۱
 مولوی می‌گوید:

خدمتی می‌کن برای کردگار با قبول و ردّ خلقانت چه کار؟

یا اینکه عرفا معتقدند، راههای رسیدن به حق به عدد انفاس خلایق است.
 برای درک این معنی، کتب مربوط به اهل طریقت و شریعت را تورق کردم و از احوال صوفیان و عرفا از قرون اولیه اسلامی، مخصوصاً ملامتیه و قلندریه، کم و بیش اطلاعات ناچیزی به دست آوردم و چون مختصر آشنایی با احوال و اعمال و اسرار آنها حاصل شد در رفتار و کردار آنها در سنجش با گفته‌هایشان دقیق شدم، احوال آنها مرا مجذوب کرد؛ در نتیجه بر آن شدم که سخنان آنها را به گوش دل بشنوم، تا بدانم چرا و چگونه و در کدام اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی آن سخنان را در قالب اشعار بخصوص غزل بر زبان رانده و چگونه اعمال به جا آورده‌اند و چرا مطالب بسیاری در مورد آنان نوشته شده است؟ آیا بحرانهای اجتماعی و دگرگونیهای زمان و نابسامانی شرایط خاص محیط اجتماعی و فرهنگی بوده است که افراد تیز هوش و حساس را بر آن داشته تا از مردم عوام زمان خود روی بگردانند و عزلت و درون گرایی را بر

۱- اسرار التوحید، باب دوم، فصل سیم، ص ۲۹۰.

برون آرایبی ظاهری ترجیح دهند و سیر درانفس را به جای سیر در آفاق مرجّح شمارند و از راه تفکر و حدیث نفس و سیر در عوالم درونی، حوادث مادی محیط خود و مال و منال و جاه و جلال را رها سازند؟

این نوع اندیشه‌ها مرا بر آن داشت تا کتب نظم و نثر صوفیه شامل تذکره‌ها و میدان گفتار و روش و اعمال بزرگان ملامتیه را مورد مطالعه قرار دهم و در دنیای آنها با تمام جزر و مدهای آن غور کردم و جلوه‌های مثبت و منفی حالات را در همه جوانب به نحوی در ک کنم و در مجموع بدین نتیجه رسیدم که اینان برای خود دنیایی داشته‌اند که اولاً به قول لسان الغیب کلاه پشمین خود را با صد تاج خسروی برابر نمی‌کردند و ثانیاً با غزلیات و دیگر اشعار خود نه تنها زبان و ادبیات فارسی را غنی ساخته، بلکه با خلق تفکر و جنبش والایی موجب اعجاب بزرگان علم و ادب شده‌اند.

این پژوهش در پی یافتن ردّ پای افکار و اندیشه و نهضت ملامتیه و قلندریه هر چند به طور مقدماتی، در غزلیات عطار و عراقی و حافظ است که به خاطر دقت و بینش و دستورالعمل آنان به بررسی نشستیم، اندکی از تعلیمات ملامتیه که به مرور صور و اشکال مختلف به خود گرفته است (مانند قلندریه و اهل فتوت) را با توجه به هنجارهای دینی و اجتماعی عصر هر کدام، مورد مطالعه و مذاقه قرار دادیم.

معلوم گردید که در احوال و اعمال و آداب آنها مجموعه‌ای از دستورات مقبول اجتماعی و دینی تنیده شده است و با دعوت به اجتناب از تمامی نشانه‌های ظاهری تشخص و تفوق معنوی، در پی تبعیت از شریعت و طریقت اسلامی هستند.

از این منظر، بازتاب اندیشه و تفکر اینان، در غزلیات عطار، عراقی و حافظ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. اگر چه این تحقیق هنوز در مرحله مقدماتی است و شناخت جامع‌تر و عمیق‌تر اندیشه‌های ملامتی در آثار بزرگان هم چندان جدی گرفته نشده و مقبول طبع واقع نگردیده است ولی در این حدّ هم ما را در راه شناخت این نهضت و انعکاس اندیشه اینان در آثار دیگر شعرا و نویسندگان یک قدم به پیش می‌برد. مسلم است برای افزودن و کاستن و جابجایی پاره‌ای از مطالب و تبیین آنها فرصت و دقت دیگری لازم است تا مباحث سودمندی به فضل و عنایت الهی افزوده شود.

هسته اصلی موضوع اثر، بازتاب اندیشه‌های ملامتی است

در نوشتن اثر از مراجع فراوانی که در فهرست منابع و مآخذ تنظیم شده است، متجاوز از دویست کتاب و رساله بهره جسته‌ام. که فهرست آنها را در منابع و مآخذ آورده‌ام تا بتواند راهگشای علاقمندان باشد. به دلیل پرداختن دقیق و موشکافانه بزرگان به ملامتیه و اصول و

مبادی و احوال و گفتار ایشان بنده در مبادی و اصول توقف نکرده، بنابراین این بخش به اجمال و گذراست.

نوشته حاضر با یک مقدمه و یک پیشگفتار در دو فصل نگارش یافته است:

فصل اول:

۱- ملامتیه

۲- قلندریه

و فصل دوم مشتمل بر سه بخش است:

۱- اندیشه‌های ملامتی عطار

۲- اندیشه‌های ملامتی عراقی

۳- اندیشه‌های ملامتی حافظ

در فصل دوم هیچ عاطفه و تقیه و ریا، حقایق و واقعیات دریافتی خویش را در معرض افکار و انظار قرار داده‌ام. امید است به گوشه‌ای از زوایای فکری ایشان پرداخته و گامی به جلو برداشته باشم.

در پایان مجموعه یک «واژه نامه کوچک» برای بعضی کلمات و اصطلاحات که احتمال می‌رفت خواننده را به جستجو در فرهنگ‌ها وا دارد، افزوده‌ام. در تبویب و گردآوری مطالب مورد نظر از آنجا که شیوه و روش خاصی در اختیار نبوده، بر طبق سلیقه شخصی عمل شده است و موضوعاتی که قرابت و نزدیکی بیشتر داشته‌اند در فصل و بخش مخصوص خود ذکر گردیده است.

در مورد غزلیات حافظ، تفاسیر و شروح و حتی فرهنگ لغات بسیاری نوشته‌اند، در برابر وسعت و عظمت این آثار، «آن ذره که در حساب ناید ماییم» ولی باز این پهنه اقیانوس عظیم غزلیات حافظ و تلاطم امواج شورانگیز آن چون من نا آشنا را به شنا در آن وسوسه کرد. اگر چه با بضاعت اندک در مدت زمان تحقیق، شوق وصال به منزل، رنج این راه دشوار را سهل شیرین می‌نمود. و جذابیّت فوق العاده معانی ابیات و غور در افکار حافظ چون منی را به عالم استغراق می‌کشاند. به هر حال «هذه بضاعتنا ردت إلینا» حاصل سخن اینک امید است این پژوهش بتواند کلیدی در جهت تعمیم بر نمونه‌های مانند خود را دست دهد و یا لااقل حصول فهم بیشتر و التذاذ ناشی از درکی درست را سبب شود. و اگر از عهده هیچ یک بر نیامد، چه باک، زیرا استغراق در عوالم بی‌پایان شعر عرفانی و جذبه و شوری که در این مدت یافته‌ام وقتم را خوش داشته است، مرا بسنده و کافی است.

یقیناً این پژوهش از شائبه نقص و خطا برکنار نیست اما شاید بضاعت مزجاء حقیر و سنگینی و گستردگی حجم موضوع خود عذر خواه کاستی‌ها و نقایص آن باشد و برای جبران کاستی‌های آن از ارباب فضل و ادب، همتی بدرقه راه می‌طلبم، که دراز است ره مقصد و من نو سفرم.

گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن مصلحی تو ای تو سلطان سخن
کیمیا داری که تبدیلت کنی گرچه جوی خون بود نیلش کنی
این چنین میناگری‌ها کار توست این چنین اکسیرها اسرار توست

سخنم بدون سپاس و امتنان از بزرگانی که بی‌عنایت و محبت آنان این کار به سامان نمی‌رسید، ناتمام است لازم است مراتب سپاس و تقدیر خود را به محضر یکایک استادان ارجمند و فاضلی که در دوره‌های مختلف تحصیل از محضرشان بهره‌مند شده‌ام و در راه کسب معرفت با لطف و رهنمودهای ارزنده راه پژوهش را بر من گشودند و از هیچ تلاشی مضایقه نمودند و به راستی پشتوانه‌ای محکم و همراهی مشفق بوده‌اند تقدیم کنم.

وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَ عَلَيْهِ التَّكْلَانُ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الرَّفِيقُ

علی نجفی